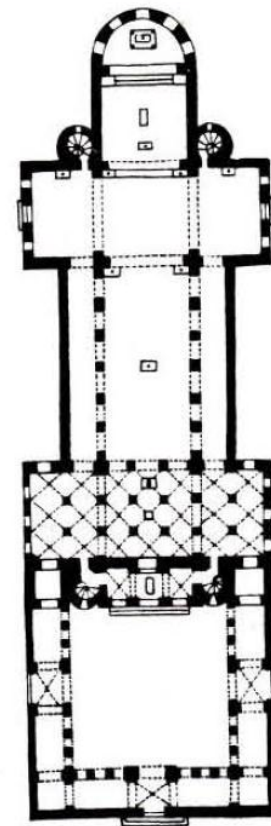
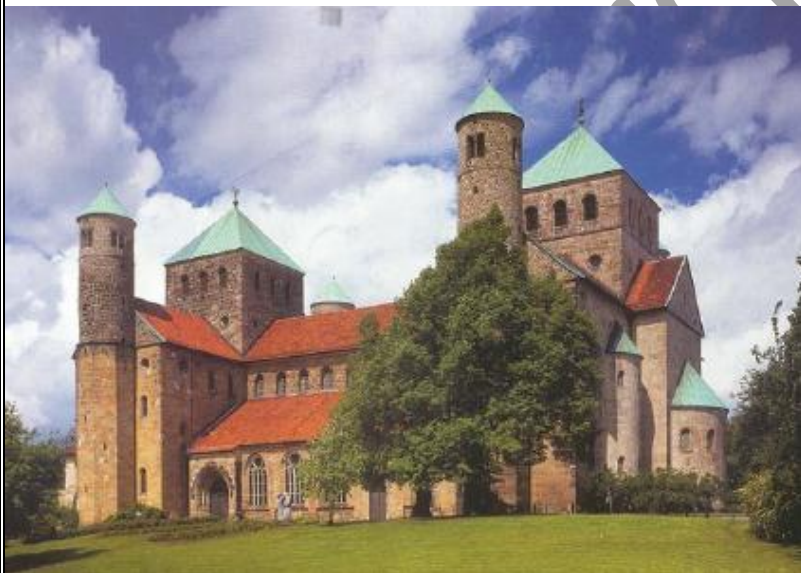
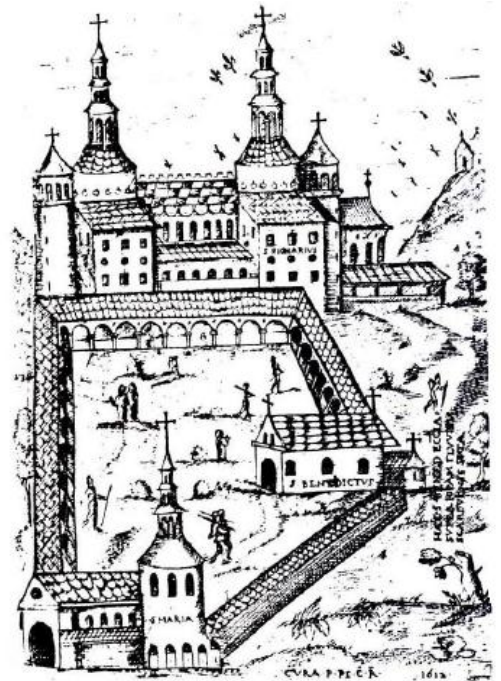
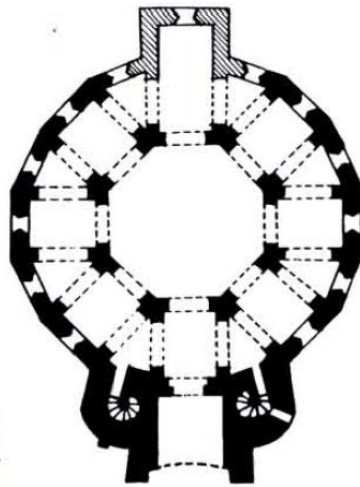
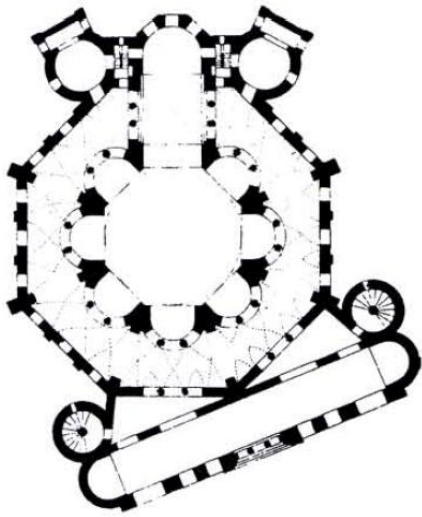


" هنر و معماری پیش رمانسک (کارولنژی و اتونی) – " کتاب هنر در گذر زمان "



سده های میانه :

دین مسیحیت حدود 300 سال بعد از تولد عیسی مسیح، دین رسمی امپراتوری رم شد. تاریخ دانان دوره هزار ساله بعد از فروپاشی امپراتوری رم یعنی از 400 تا 1400 میلادی، را سده های میانه، **قرون وسطی** یا عصر تاریکی می نامند. در طول این هزار سال، بخش شرقی امپراتوری مسیحی شده رم، استقلال خود را حفظ کرد که به نام **امپراتوری بیزانس** شناخته می شود. در حالیکه امپراتوری رم غربی توسط اقوام بربر مانند فرانکها، ویزگوتها، انگلوساکسون ها و ... فرو می پاشید و تکه تکه می شد.

تا مدت‌ها قرون وسطی به عنوان فاصله یا وقفه میان امپراتوری رم و تولد دوباره آن در عصر رنسانس، دوره ای **توحش آمیز** تلقی می شد. به عبارتی قرون وسطی، زندگی در فاصله روزگار باستان و دنیای نوین است که با گونه ای خلاء، ستم و سیاهی در آمیخته بود. حتی تاریخ دانان، هنر سده های میانه را خام و بدوی می دانستند که البته امروزه دیگر این دیدگاه وجود ندارد.

روحیه مسیحی، متوجه دنیای **فوق طبیعت** بود و تمامی دانش های مسیحی بر محور خداشناسی می چرخیدند؛ به طوریکه هرگونه پرسش درباره ماهیت دنیای مادی را بی ربط با رستگاری آدمی و بی حرمتی به مقام انسان می دانستند. در واقع مستقلا به تحقیق پرداختن درباره **طبیعت** به معنی تردید در حقانیت خداوند تلقی می شد.

از طرفی کلیسا برای کار جسمی و مهارت فنی، مقام والایی قائل بود و بردگی را محکوم کرد. به همین دلیل صنعتگر آزاد برخلاف روزگار باستان، عامل فعال تولید در سده های میانه بود. این گونه افراد که در صنف های مختلف کاری، سازمان یافته بودند از پایه های اقتصاد شهری سده های میانه، به حساب می آمدند. در واقع می توان گفت بیشتر شهرهای بزرگ و پررونق امروزی اروپا، در **سده دوازدهم** ساخته یا بازسازی شدند؛ مانند **شهر فلورانس** که در سده پانزدهم، پایه گذار مهم ترین اتفاق غرب، یعنی رنسانس شد.

هنر سده های میانه :

دوره مهاجرت ها :

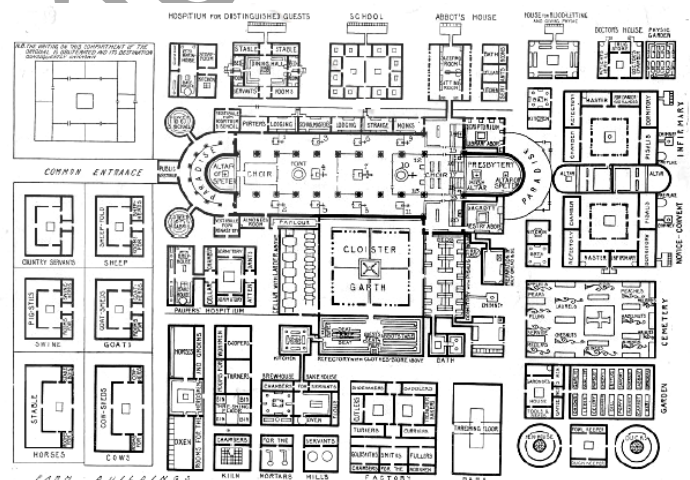
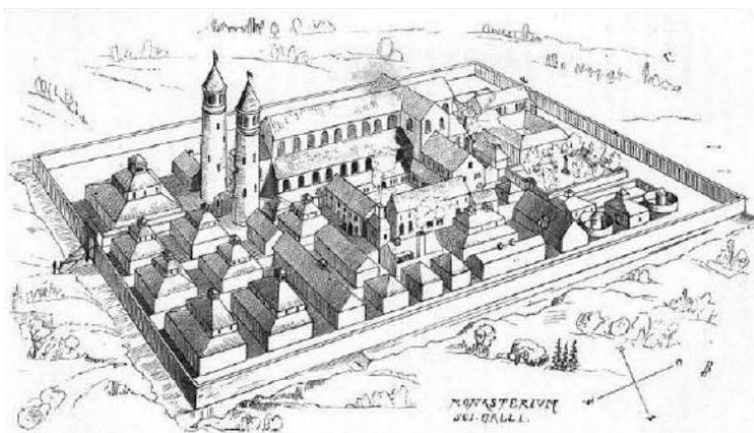
به طور کلی، دوره مهاجرت ها، از سده 4 میلادی با مهاجرت اقوام **غیر رومی** که اغلب با نام **اقوام بربر** شناخته می شدند، به سمت امپراتوری رم، آغاز می شود و تا چهار سده بعد ادامه می یابد. مهم ترین ای اقوام عبارتند از گوتها، گُل ها، ژرمن ها، هون ها و .. خود گوتها در اوایل سده چهارم میلادی، به دو گروه تقسیم شدند : اوستروگوتها (گوتهای شرقی) و ویزگوتها (گوتهای غربی). ویزگوتها که در سده چهارم میلادی، مورد تهاجم هون ها قرار گرفته بودند، به سمت امپراتوری رم مهاجرت کردند و امپراتور رم شرقی، والینس، اجازه داد آنجا مستقر شوند. اما بعد از دو سال ویزگوتها علیه امپراتوری رم شورش کردند و در نهایت والینس را کشتند و به سمت امپراتوری رم غربی حرکت کردند. به عبارتی در سال 410 میلادی حمله ویزگوتها به امپراتوری رم و سقوط شهر رم اتفاق می افتد و در سال 476 میلادی، آخرین امپراتوری رم غربی توسط بربرها برای همیشه از قدرت کنار رفت و امپراتوری رم غربی تحت تسلط بربرها قرار گرفت.

"از سده 4 میلادی که ویزگوتها بر رومی ها پیروز شدند تا چهار سده بعد از آن، یعنی سده هشتم میلادی، که سرشار از تحولات نژادی بود را دوره مهاجرت ها گویند."

دیر سن گال، سوئیس، 819 م – کارولنژی:

یکی از دیرها یا صومعه هایی که نظام صومعه داری و رهبانیت سده های میانه را نشان می دهد، **دیر سن گال** است. در نقطه ای نزدیک به مرکز مجموعه کلیسای دیر به همراه یک حیاط (دهلیز سرگشاده)، مشرف به ساختمان های اطراف قرار داشت. این دیر مجموعه کاملی است که دارای تمامی کارکردهای فرعی مورد نیاز یک دیر است، جهت بی نیاز شدن از دنیای بیرون.

عملکردهایی مانند نانوايي، باغ، درمانگاه، کارگاه ها، آشپزخانه، مدرسه، مهمان خانه و... نقشه این دیر براساس یک مدول طراحی شده است. کلیسای این دیر از نوع باسیلیکایی سه راهرویی است. ویژگی خاص آن وجود دو مذبح در طرفین کلیسا است که هدف از افزوده شدن مذبح دوم در انتهای غربی ساختمان، مشخص نشده است اما این مذبح تا سده 11 جزء ویژگی های منطقه ای کلیساهای آلمانی بود.

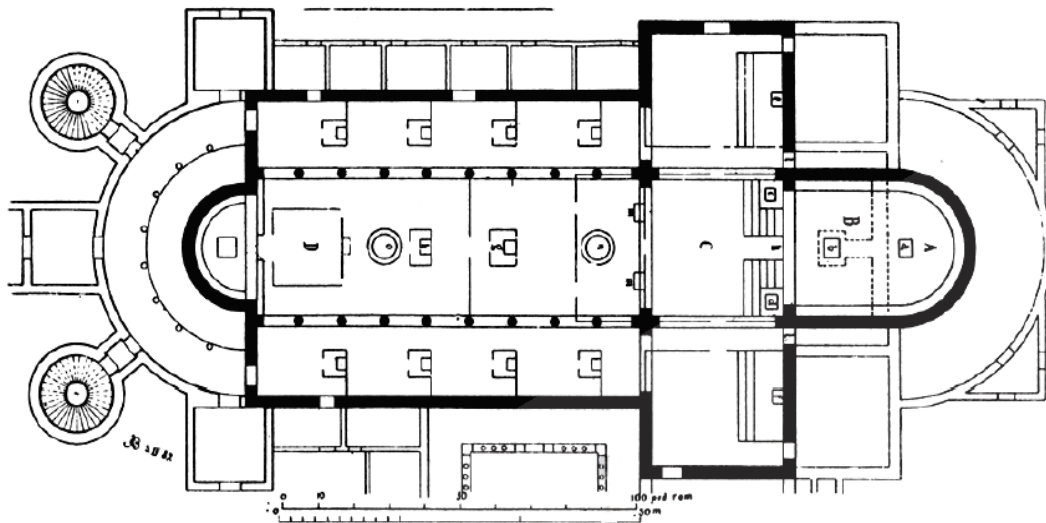


پلان و منظر سه بعدی دیر سن گاله

معماران صدرمسیحیت توجهی به ایجاد تناسب میان بخش های مختلف ساختمان های خود نداشتند و فقط به ضروریات اجرای مراسم دعا و نماز توجه می کردند، که البته امری طبیعی بود، اما در نقشه کلیسای دیرسن گال می بینیم بین بخش های مختلف آن تناسبی با یک طرح هندسی برقرار است که این بخش ها را به یکدیگر پیوند می دهد.

ویژگی مهم دیگر کلیسای دیر سن گال، **هم عرض بودن بازویی و صحن کلیساست** که برای اولین بار دیده می شود. در نتیجه محل تقاطع بازویی و صحن مرکزی، مربع شکل است که این از ویژگی های مشترک بسیاری از کلیساهای کارولنژی است. علاوه بر

این، این **مربع تقاطع**، یک واحد اندازه گیری برای بقیه نقشه کلیسا نیز است (**مدول**). در واقع مدول این کلیسا، مربع تقاطع است که از برخورد بازویی و صحن به وجود آمده است. به طور مثال، پهنای راهروهای جانبی، نصف پهنای صحن یا نصف این مربع تقاطع است. "مربع بندی" نقشه این کلیسا که وجه تمایز آن با دیگر کلیساهاست، به همراه اصل ایجاد تعادل میان واحدهای مجزا و ساده در طرح های معماری رومانسک مشهود است. دیگر ویژگی خاص این کلیسا، وجود **دو برج** در ضلع غربی کلیسا است که جدا از کلیسا هستند.



پلان کلیسای دیر سن گاله